

مروری بر جایگاه و نقش میشکال در حفظ آئین‌های بختیاری

میترا امینی فارسانی*

غلامرضا طوسیان شاندیز**

چکیده

ایل بختیاری در هر مرحله از زندگی‌شان دارای آئین‌ها و مراسم مختلفی هستند که موسیقی جزئی جدایی‌ناپذیر، از این مراحل می‌باشد. اشعار و آلات موسیقی استفاده‌شده در مراسم‌های گوناگون ایل بختیاری در عین سادگی دارای قدرت نفوذ زیادی است که توسط میشکال‌ها نواخته و اجرا می‌گردد. میشکال یا تُشمال (نوازندگان محلی سُرنا و کَرنا)، طایفه‌ای کوچک و مهاجر هستند که از دیرباز به همراه ایل بختیاری زندگی می‌کردند. میشکال‌ها با آواها و ترانه‌هایی که در این آیین‌ها با ساز اجرا می‌کنند، کمک شایان توجهی به حفظ و زنده نگه‌داشتن مراسم‌های ایل داشته و دارند. باوجود چنین اهمیتی به کارکرد و تأثیر این نوازندگان در فرهنگ اصیل قوم بختیاری در منابع مکتوب و شفاهی اشاره‌ای درخور نشده است، لذا این پژوهش کیفی در قالب توصیفی-تحلیلی با هدف تبیین تأثیرات و جایگاه این نوازندگان در برپایی و حفظ برخی از مهم‌ترین آیین‌های بختیاری، به این موضوع بومی پرداخته است. به دنبال مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی اعم از مصاحبه با برخی میشکال‌ها و افراد مسن که از تجربه بیشتری برخوردار هستند، سعی در پاسخ به این سؤال بوده است که نقش و اثرگذاری میشکال‌ها در حفظ آیین‌های بختیاری چیست و در هر آئینی چه نواها و با چه سازی خوانده و نواخته می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در برخی آئین‌های بختیاری با حذف میشکال، آن آئین‌ها نیز حذف خواهد شد. میشکال با نواختن مقام‌های مناسب هر آیین به هرچه با شکوه‌تر برگزار شدن آن آیین کمک درخور کرده

* دانش آموخته کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه شهرکرد. شهرکرد. ایران. mitraamini14@gmail.com

** استادیار گروه هنر و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور. ایران. reza.tousian@yahoo.com

و کار آنها تنها جنبه تفنن و سرگرمی ندارد بلکه میراث داران فرهنگ شفاهی ایل اند که آن را به نسل بعد انتقال می‌دهند.

واژگان کلیدی: آئین‌ها، ایل بختیاری، میشکال، آواها، نواها، سرنا، کرنا

مقدمه

زندگی ایل بختیاری به خاطر نوع و شیوه با موسیقی پیوندی خاص یافته است. موسیقی‌ای که از طبیعت و محیط پیرامونشان گرفته‌شده و از لحظه تولد تا مرگ در جای‌جای زندگی‌شان در قالب مراسم‌ها و آئین‌های متفاوت اجرا و جلوه‌گرمی‌شود. این موسیقی به همراه ترانه‌هایی در ایل و طایفه‌های مختلف بختیاری توسط میشکال اجرا می‌شود که هر آئینی، زمان و نواهای خاص خود را دارد. همانند موسیقی کار، شادی، عروسی، عزا و... آلات موسیقی میشکال‌ها، شامل کرنا^۳، سرنا^۴ و دهل^۵ است. سرنا، ساز کوچکی است که ساز مجلسی هم گفته می‌شود و بیشتر در فضاهاى کوچک و بسته نواخته می‌شود و صدای زیر دارد. ساز سرنا بین ۴۰ تا ۵۰ سانتی متر است دهانه آن به شکل شیپور و یک سوراخ در زیر و ۷ سوراخ در رو دارد و کوچکتر از کرنا است. مقام سرنا در تصنیف‌های بزمی مانند داینی داینی، بلال، گل ای گل ای و... نواخته می‌شود. دیگری سازی بلندتر (نسبت به سرنا) و بزرگ به نام کرنا با صدایی رفیع تر است. کرنا ساز بادی که طول آن حدود ۷۵ تا ۸۰ سانت است و از سه قسمت تشکیل شده، "نی میل" با بلندی ۱۳ سانت که نی ۳ سانت در داخل دهان نی میل قرار می‌گیرد بخش دوم لوله چوبی به بلندی ۳۳ سانت که مانند سرنا یک سوراخ در زیر و ۷ سوراخ در رو دارد و بخش سوم سر کرنا است شیپوری از جنس برنج با بلندی ۴۵ سانت (داودی حموله، ۱۳۹۷: ۷۱) هر دوی این سازها به همراه دهل نواخته

می‌شود که به نوازنده دهل، دهلی می‌گویند. این آلات موسیقی بیشتر به دست خود نوازندگان ساخته می‌شود. کرنا و دهل کاربرد بیشتری دارد و سرنا نسبت به کرنا متأخرتر است. (بزرگنیا، مصاحبه حضوری: ۱۳۹۴)



تصویر ۱. از راست به چپ مقایسه اندازه کرنا و سرنا: دهل و کرنا، دهل و سرنا، میشکال (نگارنده

۱۳۹۸.)

در گذشته میشکال‌ها به‌جز نوازندگی، کارهای دیگری همچون کمک در برگزاری مراسم عزاداری و عروسی، ختنه کردن، آرایشگری و کشیدن دندان را نیز انجام می‌دادند. میشکال‌ها در هنگام برگزاری عروسی و عزا علاوه بر ساززدن، از مهمان‌ها، پذیرایی نیز می‌کردند. این قشر اگرچه زمین برای کشاورزی در اختیار نداشتند ولی با

کار و شغل خود در خدمت ایل بودند. برخلاف امروز برای انجام مراسم مختلف، دستمزدی نمی‌گرفتند و درآمد آن‌ها تنها سهمی بود که در آخر سال از محصول نصیبشان می‌شد یا آنچه تحت عنوان شاباش و انعام از مدعوین می‌گرفتند (حاجت پور، ۱۳۸۶: ۴۴). میشکال‌های هر طایفه دارای سهمی از محصول گندم و جو برداشتی بودند که بختیاری‌ها با میل و رغبت تمام آن را پرداخت می‌کردند، اما در حال حاضر میشکال فقط در قبال نواختن موسیقی در مراسم‌های مختلف حقالزحمه خود را به صورت نقدی دریافت می‌کند.

این مقاله با هدف شناخت و تبیین کارکرد این نوازندگان در برپایی آیین‌های بختیاری از شروع کوچ مالک‌نوں از قشلاق و حرکت، به سوی بیلاق سعی در بازنشانی و معرفی میشکال‌ها در احیاء و تداوم بخشی از فرهنگ بومی بختیاری‌ها دارد. همچنین نگارندگان می‌کوشند تا آئین و رسوم رو به فراموشی را بیان و به ماندگاری رسوم و آشنایی نسل‌های بعدی با آن‌ها کمک کنند. از آنجایی که فرهنگ هر جامعه‌ای از خرده‌فرهنگ‌های آن جامعه تشکیل می‌شود و سنت‌ها و باورهای فولکلوریک موجود در یک جامعه ریشه در میراث و تمدن‌های کهن آن جامعه دارد، با وجود گسترش تکنولوژی و رغبت و گرایش نسبت به زندگی شهرنشینی بیم آن می‌رود، آیین‌های که بومیان هر سرزمین، تجربه زیست با آن‌ها دارند، به دست فراموشی سپرده شوند، لذا حضور و نقش حافظان این سنت‌ها و آیین‌ها مهم می‌نماید و اهمیت پرداختن به آن‌ها و گرمی داشتن و ارج نهادن به جایگاهشان بیش از هر زمان دیگر در قالب پژوهش‌هایی همچون مقالات، کتب و مستندها ضرورت دارد که نگارش این مقاله می‌تواند قسمتی از حیطه موردنظر را پوشش دهد.

روش پژوهش:

بیشتر یافته‌های این مقاله، کیفی به صورت میدانی (در وهله اول مشاهدات، مصاحبه‌ها، نوارهای کاست از ۳۰ سال گذشته و در وهله دوم، شرکت محقق در برخی مراسم‌های اقوام بختیاری و در مواردی کتابخانه‌ای بوده است. بدین نحو که پس از حضور در میدان تحقیق و مشاهده‌ی مشارکتی، در کنار مصاحبه با مطلعین کلیدی (میشکال‌ها، افراد اهل موسیقی بختیاری و...)، اسناد فرهنگی، هم چون کتب و مقالات در ارتباط با موضوع مقاله حاضر مورد مطالعه قرار گرفته است. در نهایت داده‌های جمع‌آوری شده به روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفتند.

پیشینه تحقیق:

در رابطه با آیین‌ها و موسیقی بختیاری کتاب‌ها و مقالاتی به نگارش در آمده است که با توجه به پرسش اصلی پژوهش مورد نظر در رابطه با تأثیر و نقش میشکال‌ها در آیین‌های بختیاری آثاری یافت نشد که به طور مستقیم به این مسئله اشاره داشته باشند. اگرچه در این تعداد محدود مکتوبات هم به مطالبی به صورت ظاهری و تکراری برخورد شد. که از این تعداد اندک هم شاید نتوان آنچنان که نیاز است، به عنوان شیوه‌ی ورود و در نهایت پاسخ به موضوع مورد نظر سود جست. با این توضیح در ادامه به مرور منابعی که ارتباطی غیرمستقیم با عنوان مقاله حاضر را دارند، پرداخته می‌شود.

جایگاه موسیقی در ایل بختیاری (مددی، ۱۳۷۹) به کاربرد موسیقی در ایل بختیاری می‌پردازد و نقش میشکال را در اجرای این موسیقی نادیده می‌گیرد. موسیقی و ترانه‌های بختیاری (عظیم پوره، ۱۳۸۱) که به نت نویسی و معرفی موسیقی بختیاری

پرداخته است. مقاله موسیقی سوگ در ایل بختیاری (نگاهی به آواز گاگریوه و ساز چپی در موسیقی بختیاری (غفاری، ۱۳۸۸) که به موسیقی سوگ با رویکرد دید موسیقایی و نت خوانی پرداخته است. ادبیات عامه بختیاری (قنبری عدیوی، ۱۳۹۰) و فولکلور مردم بختیاری (قنبری عدیوی، ۱۳۹۱) اشاره ای کوتاه و گذرا به کار میشکال دارد. در مقالات مورد مطالعه نیز، همه آیین ها به صورت یکجا آورده نشده بلکه به صورت جداگانه و بدون توجه به محوریت میشکال تدوین گردیده‌اند. مردم شناسی قوم بختیاری (کاویانی چگنی، ۱۳۹۵) در بخشی از این کتاب صرفاً به آیین ها بدون تأکید به نقش میشکال پرداخته شده است.

موسیقی قوم بختیاری (داودی حموله، ۱۳۹۷) که به مبانی موسیقی بختیاری و تئوری آن می پردازد در کتاب فوق هر چند به میشکال و اهمیت کارشان توجه شده است با این حال از دیدگاه تحلیلی که مد نظر مقاله فوق است اشاره نشده است.

بنابراین برای نخستین بار، پژوهش حاضر به بررسی نقش میشکال در تداوم و ماندگاری مهمترین آیین های بختیاری، از زمان کوچ تا شادی، غم و مرگ به صورت تحلیلی می پردازد که در نوع خود کار جدیدی است.

بحث

۱. فنونولوژی^۷ میشکال یا تْشمال:

در قوم بختیاری نوازندگان محلی را میشکال یا تْشمال می‌گویند. در فرهنگ دهخدا تْشمال (توشمال) چنین تعریف شده است، توشمال یعنی خوان‌سالار، خوان به معنای سفره، سالار به معنای رئیس و مسئول، بنابراین توشمال یعنی مسئول سفره، ناظر و

چاشنی گیر(دهخدا، ۱۳۶۵: ۱۱۲۰). شاید استفاده از این کلمه برای نوازندگان محلی به خاطر این باشد که در گذشته توشمالها در مهمانی ها و عروسی ها وظیفه پذیرایی از مهمان ها را نیز به عهده داشته اند. توشمال ها را از نظر سطح طبقاتی اجتماعی، نسبت به قوم بختیاری در سطح پایین تری می دانستند. واژه میشکال در بین قوم بختیاری به دو مفهوم به کار می رود، معنی اول که میرشکار یا میرشکال است، یعنی سردسته شکارچیان و مفهوم دوم برای نوازندگان محلی ساز، سرنا و کرنا بکار می رفته که منظور در این مقاله مفهوم اخیر است.

با توجه به مطالعات انجام شده در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر، در کتابها و منابع مختلف در مورد پیشینه میشکال اتفاق نظر وجود دارد که آنها را گروهی مهاجر می دانند. به عقیده بختیاری ها این افراد از یک طایفه کوچک مهاجر از هندوستان وارد ایران شده اند. این باور شاید به خاطر اشاره فردوسی در شاهنامه به این گروه باشد که می گوید در زمان بهرام گور از هندوستان گروهی رامشگر و خنیاگر برای ایجاد شادی در بین مردم وارد ایران شدند که آنها را به نام لوری^۱ (Louri) می نامیدند که در سراسر ایران پراکنده شدند و آوازهای هر منطقه را آموخته و به نواختن موسیقی می پرداختند (محرر، ۱۳۸۴: ۱۱۶). اگرچه از نظر پیشینه تاریخی، ارتباط نژادی با بختیاری ندارند، اما به مرور زمان در پیکره قومی هضم شده اند و هم اکنون بخش جدایی ناپذیر از این ساختار اجتماعی را تشکیل می دهند. این راویان فرهنگ شفاهی از نظر نژاد، چهره، رنگ پوست، شیوه زندگی، حرفه و شغل تفاوت هایی با هم دارند (داودی حموله، ۹۱: ۶۶). در یک نگاه کلی می توان چنین استنباط کرد که میشکالها، نوازندگان محلی ایل بختیاری هستند که در آئین های مختلفی همچون مراسم عروسی، عزا، جنگها،

مالکنون، کار و برزگری، سوارکاری و... می‌نواختند. واژه میشکال در زبان بختیاری در چند مفهوم به کاررفته است که به اختصار عنوان می‌شوند:

الف. نام یکی از طوایف بختیاری است که به این طایفه شمال هم گفته می‌شود.

ب. در طایفه زلکی چهار لنگ بختیاری استان خوزستان از این واژه برای نامیدن نام بزرگان ایل استفاده می‌شده است.

ج. مهم‌ترین و اصلی‌ترین مفهوم مصطلح آن به معنی نوازنده محلی است که در برخی مناطق به میشکال‌ها، شمال^۹، خطیر و مهتر هم می‌گویند (مددی، ۱۳۷۵: ۷۵).

در گذشته هر طایفه بختیاری برای خود میشکال یا شمال جدا داشت که مورد احترام ایل بودند اما بختیاری‌ها به هیچ‌عنوان با آن‌ها وصلت نمی‌کردند و ازدواج میشکال‌ها خارج از طایفه خودشان انجام نمی‌پذیرفت.

این گروه از دیرباز همراه ایل بودند ولی کمی دورتر از ایل مستقر می‌شدند. بختیاری‌ها، شمال‌ها را در بین ایل و طایفه خود تقسیم می‌کنند به گونه‌ای که گاهی چند برادر بین دو یا سه طایفه و وظایف خود را به صورت موروثی و ثابت انجام می‌دهند (قنبری عدیوی، ۱۳۹۱: ۷۳). نوازندگانی که چندین نسل نوازنده بوده‌اند مانند مرحوم کاکاخان اسدی و علی‌خان اسدی «چکیده کار» و نوازندگان تازه‌کار همچون مرحوم علی اکبر مهدی پور «چسبیده کار» می‌نامند (بزرگنیا، گفتگوی حضوری: ۱۳۹۴). جایگاه نوازندگان در جامعه بختیاری بسیار حساس است به طوری که با گذشت زمان از اهمیت آن کاسته نشده است (داودی حموله، ۱۳۹۷: ۶۴) در ادامه با پرداختن به مراسم‌های مختلف در بین بختیاری‌ها حضور فعال و تأثیرگذار میشکال را

در بسیاری از این آیین‌ها می‌توان دید که در هر شرایط و آیینی، مقام‌های خاص همان آیین را می‌نوازند که خود میشکال‌ها به آن مَقوم (moqom) می‌گویند. که به اختصار معرفی می‌شوند.



تصویر ۲. میشکال (sarzamineman.ir)

۱-۱. نقش میشکال در آئین مالکنون:

مالکنون مهم‌ترین موضوع زندگی و معیشت بختیاری‌ها است و درعین‌حال شاخص‌ترین اثر موسیقایی بختیاری‌ها را یادآور می‌شود. یکی از نقش‌های مهمی که میشکال در این آئین دارد نواختن موسیقی اعلام و جمع‌آوری است. الحان و نغماتی که مردم با شنیدن آن‌ها از وقایع و اتفاقات مهم در محیط زندگی خود مثل جشن سرور، سوگواری، جنگ و... باخبر می‌شوند. یکی از مهم‌ترین این اعلام‌ها مقام کوچ یا هیجار است که به دستور کدخدایان یا بزرگان طایفه برای اطلاع‌رسانی از موسم مالکنون توسط میشکال با ساز گَرنا نواخته می‌شود. هرکدام از موسیقی‌های اعلام و جمع‌آوری،

مقام‌های خاص خود را دارند که برحسب موضوع آن نواخته می‌شود و مردم ایل با محتوای آن به خوبی آشنا هستند. در حقیقت این موسیقی فرم نمادین دارد که تنها برای خود قوم قابل ترجمان است (کاویانی، ۱۳۹۵: ۲۱۲). وقتی میشکال شروع به نواختن هیجار در مقام شور می‌کند، مردم ایل شروع به جمع‌آوری بهوون‌ها^۷ و وسایل خود می‌کنند و برای کوچ مهیا می‌شوند که این کوچ دوبار در سال انجام و میشکال دو بار مقام هیجار مالکنون را می‌نوازد. به نوعی می‌توان گفت هیجار فقط یک اعلام و خبررسانی نیست بلکه در ورای خود هماهنگی و اتحاد مردمان یک طایفه را به همراه دارد و با نواخته شدن شروع یک حرکت گروهی را ندا می‌دهد و آغازی برای پیوند، حرکت هماهنگ یک قوم و تقویت پیوند اجتماعی آنها است. علاوه بر هیجار خود کوچ از مضامینی است که اشعار و موسیقی زیادی در ساختار آن منعکس شده که رنج و سختی کوچ و مشقت مالکنون را بازگو می‌کند و به نوعی هجران خوانی محسوب می‌شود.

۱-۲ نقش میشکال در آیین‌های کار:

در اکثر فعالیت‌ها و کارهایی که توسط زنان و مردان ایل بختیاری انجام می‌شود اعم از پشم‌ریسی، شیردوشی، مشک‌زنی، کشاورزی و درو کردن محصول، آواها و اشعاری توسط خود مردم سروده و خوانده می‌شود (باید اشاره کرد که سراینده بیشتر کارآواها، زنان هستند). کارآواها اشعاری بی‌تکلف و ساده هستند که از دل مردان و زنان تالشگر ایل نشأت گرفته و بیشتر ریتم اشعار هماهنگ با نوع کاری است که انجام می‌دهند. اشعارکار توسط میشکال به صورت مقام‌های موسیقایی درآمد و حفظ شده است. همراهی موسیقی، تاثیر اشعار را دو چندان می‌کند و سبب ایجاد نشاط و شور

زندگی و لذت بردن از کار و فعالیت در زنان و مردان می شود و خستگی کار را از تن آنها بیرون می کند. که مهم ترین آن ها عبارت اند از:

۱-۲-۱ مقام کار آواها: مشک دو^۱:

مشک دو، یکی از معروف ترین کار آواهای زنان بختیاری است. زنان ایل در هنگام مشک زدن متناسب با صدای مشک و حتی صدای دوغ داخل مشک اشعاری را می سرایند که جزء ادبیات شفاهی ایل محسوب می شود، بعدها همین اشعار توسط میشکال نواخته و در برهه ای دیگر به صورت جامع در قالب موسیقایی آن اشعار دوباره به مردم عرضه می شد و یکی از عوامل تأثیرگذار در حفظ این اشعار همین عامل است. از مهم ترین این اشعار که توسط نوازنده محلی نواخته می شود:

مشک دوو سوره ناله ناله سه ای آردی گگوم مهمانسه

Masg du sohre nale nalese ordi berarom mehmunese

مشک دوغ سرخ است ناله ناله می کند، اردوی برادرم مهمانش است.

مشک دوو سُرِه دَر بِنَدِ چَرَمی کَرِه یه روزس خیر "پیروالی"

Masge du sohre der bande carmi kare ye rozes xeyre pir vali

مشک دوغ سرخ است و بند آن از چرم است، کره یک روزش خیرات برای "پیروالی".

مشک ایزنوم وُر سایه بُوون کَرِه دَرارم وکی به دیهون

Masge izanom vor saye bohun kare derarom veli ve dehun

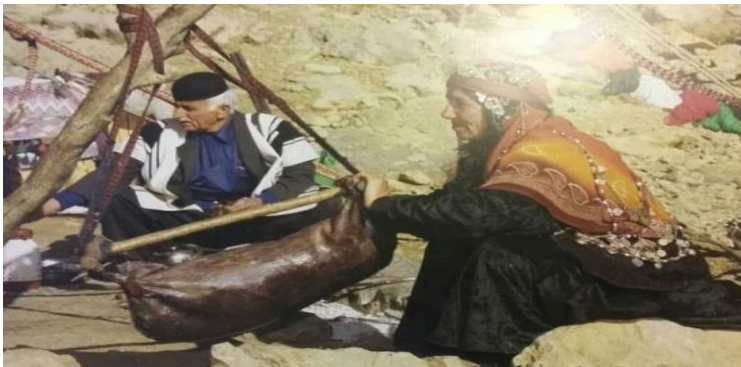
مشک را در سایه سیاه چادرم می زنم کره در می آورم تا به دهان بگذاری

ای دا مشکه ای ددو مشکه باریگم کردی چی تالی دَشکه

Hey da masge hey dadu masge barikom kerdi ci tale dasge

ای مادر مشک است ای خواهر مشکه، مانند نخ قرقره من را باریک کردی. (شکارچی

، آلبوم کوهسار: ۱۳۶۵)



تصویر ۳. مشک زدن (آرشیو عکس خانه معلم شهرستان کوه‌رنگ)

۱-۲-۲- شیر دوشی:

گام اووید و گام اووید جوون به دَسْت و پام اووید

Gam oveyd-o gam oveyd joon be dast-o pam oveyd

(گاو من آمد گاو من آمد . جان به دستها و پاهای من آمد)

ما گا زَرْدَم خَش دوشه شیرش پُره دو گوشه

Maga zardom xos pose sires pore do guse

(گاو ماده زرد رنگ من دوشیدنش خوب است و شیرش انقدر زیاد است که تا گوشش

پر می شود کنایه از شیر زیاد است) مهین لهرابی، گفتگوی حضوری: ۱۳۹۸)



تصویر ۴. شیردوشی (آرشیو میراث فرهنگی چهارمحال و بختیاری)

۱-۳. نقش میشکال در خرمن کوبی و برزگری:

مردان ایل که برای برداشت و دروکردن محصول از خانواده خود جدا شده و در گرمسیر مانده‌اند هنگام کار اشعاری را می‌خوانند که حاکی از غم هجران، سختی کار و دل‌تنگی آن‌ها است که این اشعار را برزگری می‌گویند. «آواهای برزگری بیان‌کننده دل‌تنگی حاصل از دوری از معشوق و تنهایی و کار نفس‌گیر درو می‌باشد». (فرجی فر، ۱۳۹۰: ۱۲۹) برزگر، کشاورز و دروگر، به هنگام کار و موسم درو، غم دوری از خانواده و ایل تبار خود را، در قالب سروده‌های جان‌سوز و بر مفهومی به نام «برزگری یا باوه رو» بیان می‌کند (قنبری عدیوی، ۱۳۹۱: ۶۳). این کشاورزان میشکال را همراه خود دارند و میشکال ترانه‌ها و اشعار برزگری را که به زعم برخی پژوهشگران بختیاری یکی از عالی‌ترین ترانه‌های فولکلوریک بختیاری هستند، با ساز کرنا می‌نوازد و گاهی

هم که با نی نواخته می‌شود برداشتی از مقام کرنا است. اگرچه میشکال سراینده اشعار برزگری نیست ولی مقام‌های موسیقی که متناسب با اشعار و با ضربی سنگین می‌نوازد، سبب ماندگاری این اشعار می‌شود. برخی مقام‌هایی که توسط نوازنده نواخته می‌شود بر اساس اشعار برزگری است که متناسب با دروکردن و خرمن‌کوبی سروده می‌شود که باعث هماهنگی کار گروهی، ایجاد نیروی مضاعف در کشاورزان و نیز تحمل غم دوری از خانواده و ایل، تسهیل دشواری‌های زندگی و قابل تحمل کردن ناملایمات و سختی کار برای برزگر و کشاورز است برخی از این اشعار که همراه با نوای کرنا می‌شکال خوانده می‌شود عبارت‌اند از:

اَوِ وَه دِيرِيْت مُو خَشْتَم بَرْد وِم بُوَارِه عَسَل دَار بَلِيْط سِيْم زَهْرِه مَارِه
 a ve dirit mo xasom bard vem bovare asale dare belit sim
 zahre mare

اگر از دوری تو خوشحالم سنگ بر من بیارد، عسل درخت بلوط برای من مثل زهرمار است.

زَهْرَمَارَس بَا مَرْد بَرَزِيْر كَار يَاوِه تَوِه مِيْرِه يَاوِه زِيْدِن مَار
 Zahre mares ba marde barziar kar ya ve tav mire ya ve
 zeydane mar

(زهرمار مرد برزگر باشد، یا به تب یا به نیش مار بمیرد.)

بَرَزْتَر زَشْت و پَلَشْت چَنْدِي بَد اَنْدوْم چِي تِيْپ هَزَار سَوَار وَسْتِن وَه گَنْدَم
 Barziar zest-o palast candi bad andum ci tipe hezar suvar
 vasten ve gandom

(برزگر از فرط آفتاب سوختگی زشت و بد اندام گشته، مانند گروه هزار نفری که برای
درو آمده‌اند).

(حسینی مفرد، گفتگوی حضوری، ۹۸)

وقتی کار برزگری به پایان رسید، کشاورزان از میشکال می‌خواهند تا در سازش بدمد و
با رقص و پایکوبی خستگی کار را جشن می‌گیرند (داودی حموله، ۱۳۹۳: ۸۵). در واقع
اتمام کار و وصال به ایل و طایفه را جشن می‌گیرند.



تصویر ۷. برزگری (کشاورزی) (ورهام، ایل راه تاراز: ۱۳۹۱)

۴-۱. نقش میشکال در آئین‌های عروسی و شادینه‌ها:

کُر بگهین میشکال هُف بگنه منه ساز دو بگریم و بوازیم گو همه چوپبی و

سرناز^{۱۱} (بهمنی، آلبوم آستاره: ۱۳۷۷)

Kor begoin misekale hof bokone mene saz dev begerim-o buvazim gev hame cupi-o sar naz

به میشکال بگویند در سازش بنوازد و همه برقصیم و مردان رقص "چویی و سرناز" را انجام دهند.

جشن عروسی در بین بختیاری‌ها بسیار باشکوه برگزار می‌شود در عروسی آیین‌های مختلفی اجرا می‌شود که پرداختن به جزئیات آن‌ها از بحث این مقاله خارج است لذا، فقط به مهم‌ترین آن‌ها که نقش میشکال در آن مهم و کلیدی است اشاره می‌شود. میشکال‌ها به همراه زن‌های ایل راویان و طراحان اصلی مراسم عروسی‌اند و مردها فقط بازیگرند. نوازندگان از ابتدای مراحل ازدواج در مراسم حضور فعال دارند. آیین عروسی شامل رقص‌ها می‌شود. شعر، موسیقی، رقص و بازی در آیین عروسی اجتماعات عشایری کارکرد و وظایف چندگانه‌ای به عهده دارد. موسیقی و رقص ورای جنبه تفننی و پرکردن اوقات فراغت، کارکردی درمانی، رزمی و عزاداری دارد (موسوی نژاد، ۱۳۸۲: ۲۴).



تصویر ۸. حضور میشکال در عروسی (سایت wisgoon.com)

قبل از شروع عروسی قطعه‌ای توسط میشکال نواخته می‌شود به نام «سَروردار» یا «سَربرداشت» نوعی اعلام و اطلاع‌رسانی، جهت دعوت به رقص محلی است و برخی کرنا نوازان آن را دشتی می‌گویند (بزرگنیا، مصاحبه حضوری: ۱۳۹۴) و در ابتدا، دهل با چند ضربه، کرنا را همراهی می‌کند و حاکی از شروع مراسم عروسی است.

از ترانه‌هایی که به‌عنوان شادینه در عروسی خوانده می‌شود و توسط نوازندگان نواخته می‌شود دُولالی^{۱۲} ها هستند. این ترانه‌ها شامل آهای گل‌ها هستند که عروس و داماد را به گل تشبیه می‌کردند و نام نزدیکان عروس و داماد را در اشعار به‌صورت بداهه می‌آوردند. تمامی این آهای گل‌ها توسط میشکال با کرنا و دهل نواخته می‌شود؛ مثلاً آهای گل بدون کلام، با ساز کرنا نواخته شده و بیت دوم توسط دختران ایل در جواب به صورت همسرایی جواب داده می‌شود. گاهی نیز زنان به‌عنوان سرخوان با میشکال همراهی می‌کنند. در فضای بسته‌تر و یا برای همراهی عروس یا شب حنابندان از ساز سُرنا استفاده می‌شود.

مهم‌ترین آهای گل‌ها به قرار زیر عنوان می‌شوند:

آی ره مو دیره ره مو دیره های گل آهای گل (همسرایان)

ay rah mo dire rahmo dire hay gol ahay gol

آی ره مو دیره ناهوار آهای گل آهای گل (همسرایان)

ay rah mo dire nahovar ahay gol ahay gol

(راه من دور است آهای گل. راهم ناهموار است آهای گل)

آی ز دولتی آقام "حجی" آهای گل آهای گل (همسرایان)

ay ze dolati aqam-haji ahay gol ahay gol

آی همه مون تلمیت سوار آهای گل آهای گل (همسرایان)

ay hamamun telmit sowar ahay gol ahay gol

(از دولتی سر بزرگمان آقای فلان (حجی) ایهمه ما سوار اسب تلمیت هستیم آهای

گل)(نصرت حیدری، گفتگوی حضوری: ۱۳۹۸)

نمونه اشعار یارم ای گل ای:

یاروم سوار آیی خانم عاریس پا نها حلقه رکاو یارم ای گل ای، گل ای، گل

ای(همسرایان)

Yarom suvar aiy xanom aris pa nahad hajge rekav yarom

ey gol ey gol ey gol ey

(یارم خانم عروس پا بر حلقه رکاب گذاشت و سوار بر اسب شد.)

گیسووان حلقه حلقه طعنه زد بر آفتاب یارم ای گل ای، گل ای، گل

ای(همسرایان)

gisuane halge halge tane zad bar aftab yarom ey gol ey gol ey

gol ey

(با گیسووان حلقه حلقه خود بر آفتاب طعنه می‌زند.)

سوار آیی آقا دوما ماشاله ز ای پیا یارم ای گل ای، گل ای، گل ای(همسرایان)

Sowar aye aga duma masala ze iy piya yarom ey

gol ey gol ey gol ey

(سوارشد آقا داماد ماشاله به این مرد)

دستمالا مشکی ختایی بسته بی به بانیاس یارم ای گل ای، گل ای، گل

ای(همسرایان)

dasmala mesgi xataiy baste bi be baiyas yarom ey gol ey
gol ey gol ey

(دستمال مشکی با نقشی از گل‌هایی ختایی بر بازوانش بسته بود) (نصرت حیدری،
گفتگوی حضوری: ۱۳۹۸).

سحرگاه روز عروسی هنگامی که هوا گرگ‌ومیش است شمال یا مهتر در بلندترین
نقطه فضای عروسی می‌رود و نغمه عروسی می‌نوازد که به آن نغمه «سحر خوانی»
می‌گویند که بیشتر در برخی مناطق مانند لردگان در چهارمحال و بختیاری اجرا می‌شود
و نوعی دعوت به رقص است (بزرگنیا، مصاحبه حضوری: ۱۳۹۸). رقص پدیده‌ای
اجتماعی-فرهنگی و بازمانده آیین‌های باستانی می‌باشد. موسیقی و رقص جزء
هنرهای غیرکلامی اقوام است که باهم پیوند ناگسستنی دارند که در گذشته نوعی
مناسک آیینی اعتقادی محسوب می‌شد (داودی حموله، ۱۳۹۳: ۴۷)

در بین بختیاری‌ها اکثر آیین‌ها با رقص همراه است. هماهنگی و اجرای این آیین‌ها
وابسته به مقام‌های موسیقایی است که توسط نوازندگان محلی نواخته می‌شود و
اجراکنندگان متناسب با ریتم نواخته شده حرکات خود را تغییر می‌دهند پس میشکال
نقش مهم و کلیدی در هماهنگی این آیین‌ها دارد که اگر میشکال نباشد حتی برخی از
این آیین‌ها مانند ترکه بازی یا همان چوب بازی توسط مردان قابل اجرا نیست.

۱-۵. میشکال و آیین چوبازی (چوب بازی یا ترکه بازی):

بگوین میشکال بکش ساز و کرنا جغلیل سی بازی وریستان واپا

Beguin miskale bekas saz-o karna jegalyl si bazi viristane va
pa

(به میشکال بگویند در ساز کرناى خود بدمد که جوانها برای رقصیدن بلند شده اند)

بزن ترکه بازی و چوبی و سرناز وُری میشکال دی بکن هف من ساز

Bezan tarke-bazi –o cupi-o sarnaz vorie miskal di bekon hof
mene saz

(آهنگ ترکه بازی و چوبی و سرناز را بزن "رقص های بختیاری" بلند شو میشکال و در ساز بدم)

ترکه بازی آیین و رقصی است که، سبب تقویت روحیه سلحشوری در مردان بختیاری می‌شود رقصی است کاملاً مردانه که نمادی از نبرد، حماسه و دفاع است و گاهی حالت مسابقه دارد. رقص آیینی چوب بازی، حماسه های کهن را به ذهن متبادر می کند (داودی حموله، ۱۳۹۷: ۳۱۳) قبل از شروع چوب بازی، میشکال حدود نیم ساعت مقام هیجار را با ساز کرنا بدون همراهی دهل می‌نوازد و اهالی را از شروع چوب بازی مطلع می‌کند. وقتی جمعیت جمع شدند، مقام چوب بازی نواخته می‌شود. در بین جمعیتی که دایره‌وار به نظاره ایستاده‌اند، دو نفر به میدان می‌آیند یکی چوب محکمی به نام درک به‌عنوان سپر برای دفاع از خود در دست دارد و دیگری چوب باریک‌تر و کوچک‌تری، به نام ترکه که با آن باید به ساق پای حریف ضربه بزند، را در دست دارد. کسانی که به میدان می‌آیند کاملاً مقام‌های موسیقایی رقص را می‌شناسند، تمام حرکت‌ها، چرخیدن‌ها و حتی ضربه زدن‌ها با ریتم موسیقی که توسط کرنا نواز و دهل کوب نواخته می‌شود، تنظیم می‌شود و با هر ضربه که به حریف زده شود، چوب‌ها تعویض و دیگری باید ضربه بزند. زنان با کل زدن موجب شور و هیجان بیشتر مبارزه می‌شوند و گاهی این کل کشیدن توسط خود نوازنده با دمیدن در کرنا

انجام می‌شود که جزء شیرین‌کاری‌های میشکال در هنگام نواختن موسیقی محسوب می‌شود. مقام‌های آیین ترکه بازی، به صورت بی‌کلام اجرا می‌شوند. شامل مقام‌های تهرانی، جنگ نامه چهارزی، شمایل و عقیلی است (حسینی مفرد، گفتگوی حضوری ۹۸: نوای کرنا و دهل و مقامی که نواخته می‌شود تمرینی است برای میدان رزم که تقویت روحیه شجاعت و جنگاوری خصوصا در بین جوانان ایل می‌شود و این ایجاد شور و هیجان به قدری بارز است که جوانان در هنگام ترکه بازی، گاه چنان تحت تاثیر نوای موسیقی قرار می‌گیرند و چنان ضربه را محکم می‌زنند که در بعضی موارد چندین مرتبه ترکه شکسته می‌شود و بارها ترکه تعویض می‌شود. مقام چوب بازی مقامی است کاملا منحصر به فرد و مخصوص ایل بختیاری است.



تصویر ۹. ترکه بازی (نگارنده، تحقیقات میدانی: ۱۳۹۷) تصویر ۱۰. حضور میشکال در عروسی (ترکه بازی) (عسکری سوادجانی، سیمای فرهنگ و طبیعت استان چهارمحال و بختیاری: ۱۳۹۴)

۱-۶. آیین دستمال‌بازی و میشکال:

مردها و زنها در عروسی وقتی کنار هم قرار می‌گیرند، مجموعه‌ای از رقص‌هایی را انجام می‌دهند به نام چویی یا دستمال‌بازی که به صورت گروهی و به شکل دایره یا

نیم‌دایره انجام می‌شود. همراه نواختن موسیقی توسط میشکال نغماتی نیز خوانده می‌شود، اشعار موسیقی دستمال‌بازی گاه حالتی تغزلی، عاشقانه و گاهی حالتی حماسی همچون شیرعلی مردان به خود می‌گیرد (کاویانی، ۱۳۹۵: ۲۰۹).

دستمال‌بازی انواع مختلف دارد که اجراکنندگان هماهنگ با ریتم کند و تند موسیقی، شیوه حرکت دست و پای خود را تغییر می‌دهند. دستمال‌بازی بر طبق مقام‌های موسیقی که نواخته می‌شود از کند به تند شروع می‌شود و شامل رقص سنگین یا گُند و رقص تند می‌شود. به صورت چوپبی اول، چوپبی دوم و چوپبی سوم که ریتم سه‌چهارم هستند (دستمال‌بازی سنگین). بعد از آن سه پا که ریتم دوچهارم می‌شود و شتاب می‌گیرد و بعد کردی بازی و رقص مجسمه و چهار دستمال است و برای هر کدام مقام جداگانه‌ای نواخته می‌شود و با دقت در ریتم نواخته شده اوج هنر و تسلط میشکال را، در نواختن ملودی‌های بختیاری می‌توان استنباط نمود. تسلط نوازندگان محلی در سازی که می‌نوازند به قدری است که گاهی در هنگام نواختن با ساز در قالب ریتم‌هایی که می‌نوازند، حرف‌هایی را بین خود ردوبدل می‌کنند.



تصویر ۱۱: دستمال‌بازی (مجموعه عکس شخصی)



تصویر ۱۲: دستمال‌بازی زنان بختیاری (مجموعه عکس اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و

صنایع‌دستی استان چهارمحال و بختیاری)

در رقص‌ها هماهنگی بین اجراکننده و میشکال بسیار مهم است. به‌عنوان مثال در رقص مجسمه^{۱۳}، نوازنده با نوای موسیقی حرکاتش را اجرا می‌کند و به یکباره میشکال موسیقی را قطع و رقصنده در همان حالت مانند مجسمه باید بایستد تا میشکال را راضی به نواختن ادامه ملودی کنند که معمولاً با دادن شاباش او را راضی می‌کنند. مقام موسیقی دستمال‌بازی و مجسمه، مقامی بزمی شامل دی بلال^{۱۴}، لچک ریالی^{۱۵} و داینی^{۱۶} است که گاهی حماسی می‌شوند. گرداننده اصلی رقص‌ها کرنا نواز است و انتخاب موسیقی برای دستمال‌بازی بر اساس دایره موسیقایی نوازنده است که از مقام‌های مختلف کدام را بنوازد.

نمونه از مقام داینی داینی:

تونو خدا تونو سی ممد بیو سر مزارم داینی کل بزَن سِرُو بِخون وا کن قطارم
داینی

tono xoda tono sey mamad biyo sar mazarom dayni kel bezan
seru bexun va kon qatarom dayni

(تو را به خدا و سید محمد (امامزاده) سر مزار من بیا . کل بزَن و سِرُو بخوان و قطار
تفنگم را باز کن)

آخی داینی ووی داینی داینی والله درد مو یکی دو تا نی

axay dayni dayni vuy dayni vola dardom yeki dota ni

(آخی داینی وای داینی به خدا درد من یکی دو تا نیست)

نتروم ووی بَنگت کُئم نه خوت ایایی داینی بی وفایی تی تُوئه تی مو نیایی داینی

natarom banget konom na xot iyahi dayni bi vafaiy tey tone tey
mo niyahi dayni

(نمی توانم صدایت کنم و نه خودت می آیی . بی وفایی مال توست پیش من نمی

آیی)(سلیمانی ، گفتگوی حضوری : ۱۳۹۸)

نمونه مقام دی بلال:

پروانه ز عشقِ شمع دائم ایسوزه وُدی بالال زنجیره عشقه که نیلسِ بگوروسه وُدی
بالال

parvaneh ze esqe sam daem isuze-o dey balal zenjire esge
ke nils be guruse-o dey balal

(پروانه از عشق شمع هر شب می سوزد دی بلال و زنجیر عشق است که مانع رفتنش

می شوددی بلال)

مه چارده ری تو بی بنیر چه ماته و دی بلال ز خجالت هر شوی به بی ولاته و دی
بلال

Mahe cardah ri to bi benyar ce mateh vo dey balal zexejalat
har sevi be ye velate-o dey balal

(مه شب چهارده صورت توست و ماه در مقابل آن مات است دی بلال و از خجالت

هر شب در یک ولایت است دی بلال)

(اله بخشیان ، گفتگوی حضوری :۹۸)

۱-۷. میشکال و آیین سوار بازی:

سوار بازی آیینی است که در مناسبت‌های متفاوتی همچون عزا و شادی اجرا و در دو مورد حرکت سوارکار و اسب متناسب با مقام‌های موسیقی است که توسط میشکال نواخته می‌شود. در عروسی حرکات به صورت ریتمیک، تند و رقص گونه انجام می‌شود که داماد در حالی که بر اسبی تیز رو سوار است با یک حرکت چست و چالاک سر انداز عروس را ربوده و با جست و خیز چشم گیری فرار می‌کند و بقیه سوارکاران همراه وی را تعقیب می‌کنند تا بتوانند سر انداز را از وی بگیرند و اگر کسی موفق شد سر انداز را بگیرد دوباره همه فرد گیرنده را دنبال می‌کنند. (شهبازی ۱۳۹۲:۱۶۶) ولی سواربازی در عزاداری‌ها به این صورت است که میشکال شروع به نواختن موسیقی چپی می‌کند و سوارکاران با اسب به صورت سنگین و باوقار به احترام

عزاداران حرکت کرده، تیراندازی‌های نمادین می‌کنند و هدایا و کمک‌های مالی که برای صاحبان عزا آورده‌اند را، به آن‌ها تقدیم می‌کنند. مقام‌های سواربازی بدون کلام هم با کرنا و هم با سرنا نواخته می‌شوند (الله بخشیان، گفتگوی حضوری: ۱۳۹۸).

همراهی موسیقی در سواربازی یا سوارکاری باعث شده تا شور و هیجان مضاعف در بین سوارکاران ایجاد شود و همین باعث شده تا به امروز در بین بختیاری‌ها جوانان، طرفداران اصلی این آیین باشند و با اشتیاق از اجرای آن استقبال نمایند و این خود عاملی برای حفظ و تداوم این آیین گردیده است.



تصویر ۱۳. سواربازی و میشکال (نگارنده) تصویر ۱۴. سواربازی (آرشیو میراث فرهنگی استان)

۱-۸. نقش میشکال در آئین‌های سوگواری:

سر شالم وه کشین یه شال زردی بزنین چو و دهل دورم وه گردین

Sare salom ve kesin ya sale zardin bezanin cu vo dohol
dawrom ve gardin

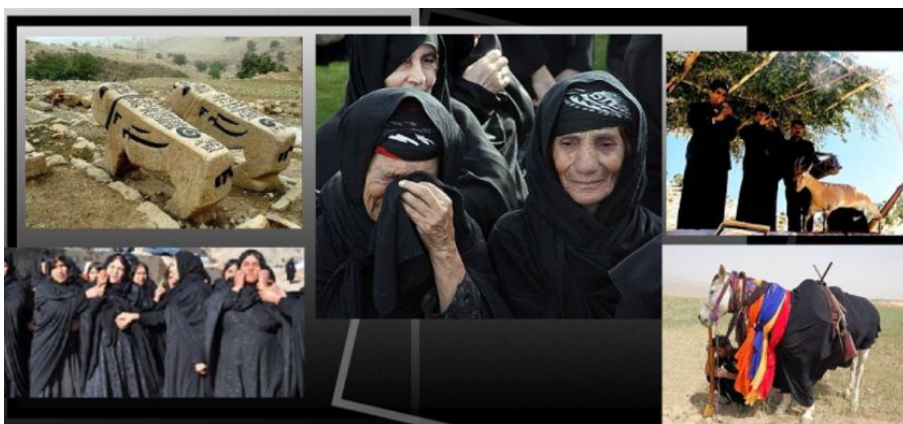
(سر شالم، شال زردی بکشید به چوب و دهل بزیند و اطرافم بگردید (نماد کتل گردانی)) (داودی حموله، ۱۳۹۳: ۷۸۱)

موسیقی در تمام لحظات زندگی بختیاری‌ها از تولد تا مرگ حضور دارد بدین نحو که با لالایی شروع و با چپی، چمری^{۱۷} و گاگریو^{۱۸} تمام می‌شود. یکی از مهم‌ترین وظایف یا نقش که میشکال دارد، حضور در آئین‌های سوگواری است. تمام مقام‌هایی که تاکنون در مورد موسیقی به‌خصوص در دستمال‌بازی‌ها و رقص‌هایبان شد، مقام راست نوازی به همراه تصنیف‌های دوالالی است که تصنیف‌هایی مانند داینی داینی و گلمی دی گل، دی بلال و... نواخته می‌شوند. اما سوگواری‌ها به موسیقی چپی نوازی معروف است، که از نظر موسیقی مقامی، ساز چپ در دستگاه ماهورو پنج گاه می‌باشد. این موسیقی چپی شامل گاگریوخوانی، برزگرخوانی و شلیل خوانیاست که، تقدس خاصی در بین بختیاری‌ها دارد به‌نحوی که، از ابتدا تاکنون کمتر دچار تغییر شده است.

سازی که در چپی نوازی استفاده بیشتری دارد، ساز سرناست چرا که حزن‌انگیزتر است. هرچند از کرنا هم استفاده می‌شود. گاهی در عزاداری‌ها چهارسُرنَا دو به دو مقابل هم و روبه‌رو نواخته می‌شوند، که حکایت از غم عظیمی دارد (داودی حموله، ۱۳۹۳: ۷۷۷). در تمام مدت عزاداری نوازندگان به نواختن ساز چپ و آهنگ‌های غم‌انگیز خود ادامه می‌دهند.

بیشتر زنان با نوحه‌سرایی و گاگریو یعنی گفتن، گریه کردن و کیک (نوعی جیغ زدن زنان) آن‌ها را همراهی می‌کنند (افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ۴۹۸). در مراسم عزاداری نیز، آیین‌های مختلفی اجرا می‌شود که در همه آن‌ها میشکال نقش اصلی را ایفا می‌کند. یکی از این آیین‌ها «آیین کتل بندون» است که از کهن‌ترین رسوم آیینی است و از قبل از اسلام در ایران رواج داشته است و آن آیینی است که برای بزرگان، دلیران، سرداران، دلاوران و افراد نامی ایل که فوت شده‌اند، برگزار می‌شود. اما در سال‌های اخیر در

مراسم عاشورا و تاسوعا نیز این آئین اجرا می‌گردد. گُتل اسبی است که آذین می‌شود. یال و دم آن را می‌چینند، پارچه‌های رنگی به گردن اسب می‌بندند و برخی وسایل رزمی متوفی مانند تفنگ، شمشیر یا اگر شاهنامه‌خوان بوده، کتاب شاهنامه او را روی زین اسب می‌بندند. اوج گُتل بندان وقتی است که میشکال با کرنا شروع به نواختن ساز چپی می‌کند و اسب را همراه با عزاداران، که بر سر می‌زنند و زنانی که گاگریو می‌خوانند، سمت سکویی که به آن مافگه می‌گویند می‌برند. مافگه سکویی است تقریباً ۱/۵ در ۱/۵ متر که نمادی است از قبر متوفی و با پارچه سیاه پوشانده می‌شود و برخی وسایل متوفی مانند لباس‌های او را روی مافگه می‌گذارند. میشکال روی مافگه قرار می‌گیرد، دهل‌نواز کنار میشکال، زن سرخوان در کنار آن‌ها و کتل هماهنگ با ساز چپی دور مافگه می‌چرخد به صورت برعکس حرکتی که در رقص‌ها انجام می‌دهند، یعنی به سمت چپ حرکت می‌کنند.



تصویر ۱۵. میشکال در حال نواختن ساز چپی. گُتل. عزاداری زنان (از راست به چپ)



تصویر ۱۵. اسب گُتل در روز عاشوراشهر فارسان (نگارنده)

مراسم عزاداری چندین روز طول می کشد و یکی از پرکارترین روزهای کاری میشکال است. گاهی طایفه های دیگر که برای حضور در مراسم عزاداری می آیند به همراه خود نوازنده طایفه خود را نیز می آورند. در برخی مراسم که بزرگی از طایفه فوت شده است، گاهی تا ده نوازنده و گُتل حضور دارد و یک عزاداری کاملاً باشکوه برگزار می شود. نکته قابل توجه این است که در اینجا موسیقی علاوه بر درون مایه محزونی که دارد و همراهی که با عزاداران می کند، سبب تخلیه احساسات آنها می شود و همچنین سبب اتحاد و تجدید پیمان دوباره طایفه ها باهم می گردد. علی حصولی نیز در کتاب سیاوشان بیان می کند که، از میان همه مراسم ها، آیین سوگ بختیاری ها بیش از همه یادآور سیاوشان است (حصولی، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

موسیقی چپی در جای دیگر غیر از عزاداری نواخته می شود و آن زمانی است که کسی در آب غرق می شود و برای اینکه جسد روی آب بیاید و بتوانند جسد را پیدا کنند، میشکال به کنار آب می رود و شروع به نواختن ساز چپی می کند و بختیاری ها معتقدند

که آب به احترام سوزی که در صدای ساز چپی است جنازه را پس می‌دهد. (مشاهدات عینی نگارنده، در چهارم‌حال و بختیاری)

۹-۱. میشکال و موسیقی حماسی:

موسیقی بختیاری اکثراً مضمونی حماسی دارد که با اشعار حماسی نواخته می‌شود زیرا، سرزمین بختیاری زادگاه حماسه و دلیری مردانی است که سبب ماندگاری مبارزات و نام و شجاعت آنها شده است و اشعاری که در رثای آنها سروده شده، راهی برای فهم تاریخ این قوم است. برخی اشعار برگرفته از شاهنامه است، شاهنامه‌خوانی از دیرباز در بین بختیاری‌ها مرسوم بوده است به نحوی که، در گذشته قبل از شروع هر رزم و مبارزه‌ای به شاهنامه‌خوانی در مایه‌های شور، همایون، راست دستگاه و ماهور، به خصوص تراژدی‌های سیاوش، رستم و سهراب می‌پرداختند و نوای کرنای میشکال، آن را همراهی می‌کرد که این کار سبب شور و هیجان مضاعف شاهنامه‌خوانی می‌شد و نیز ازدیاد شجاعت مبارزین را به همراه داشت. امروزه برای همراهی شاهنامه‌خوانی از نواختن نی نیز بهره مند می‌شوند.

اشعار حماسی که در وصف رشادت و دلیری بزرگان، نام‌آوران و دلاوران ایل سروده شده و با نوای موسیقی حماسی میشکال رنگ و بویی دیگر به خود می‌گیرد، اشعاری است که برگرفته از آیین پهلوانی و شجاعت افراد در گذشته ایل بوده است. این بازخوانی، قصه رشادت‌ها و دلاوری‌ها که به نوعی روایت تاریخ شفاهی ایل هستند و در نامساعدترین شرایط اجتماعی ایل سروده می‌شوند، سرشار از حزن و اندوه است و باعث ماندگاری و مکتوب شدن آن بر ذهن شنونده و مردم می‌شود و مانند سرمشقی پیش روی مردان، زنان و جوانان ایل برای دفاع از آب و خاک و سرزمینشان قرار می‌

گیرد. همین است که یاد آن قهرمانان را که بخشی از فرهنگ و تاریخ بختیاری است زده نگه می دارد مانند شیرعلی مردان و ابوالقاسم خان، حالو زال و عبده محمد للری

۱-۹-۱ نمونه مقام حماسی شیر علی مردان:

شمشیر علی مردون طلای بی عَش به زمین برچ ایزنه به آسمون تَش

samsire alimerdun talaye bi gas be zemin berc izane be
asemun tas

(شمشیر علیمردان طلای خالص است روی زمین می درخشد و به آسمان آتش می زند)

بی عروس تو کل بزن تا مو کُتم جنگ شمشیرم به گل زَنم سی ایل هفت لنگ

bi arus to kel bezant a mo konom jang samsirom be gel
zanom si ile haft lang

(بی بی عروس تو کل بزن تا من جنگ بکنم . شمشیرم را به گل بزنم برای ایل هفت لنگ)(حیدری، گفتگوی حضوری: ۹۸)



تصویر ۱۶. شاهنامه خوانی (آرشیو صدا و سیمای استان چهار محال و بختیاری)

نتیجه‌گیری:

با نگاهی مختصر به نقش میشکال در برخی آیین‌های مهم برگزار شده در بین قوم بختیاری مشخص می‌شود که در آئین‌های ذکر شده حلقه اصلی و شاه‌کلید برگزاری شان میشکال‌ها هستند که نقش این هنرمندان برای خود قوم یا مخاطبین کم‌رنگ است. در صورتی که اگر میشکال از هر یک از آئین‌ها، حذف شود چه بسا، کل آن آیین حذف خواهد شد. اگرچه میشکال‌ها سرایندگان اصلی بسیاری از اشعار مراسم‌های بومی بختیاری‌ها نیستند ولی، با ملودی‌گذاری و نواختن اشعار در قالب مقام‌های مختلف سبب حفظ و صیانت از آن‌ها شده‌اند و امانت‌داری هستند که در مواقع مورد نیاز، آن‌ها را به ایل ارائه داده‌اند و همراهی موسیقی با ابیات شفاهی، سبب غنای موسیقی شده و همین امر، و حضور میشکال‌ها سبب شده تا با وجود تکنولوژی‌های پیشرفته و زندگی شهرنشینی بسیاری از آیین‌ها هنوز هم با شور و اشتیاق برپا باشند. از آنجایی که این آیین‌ها با زندگی روزمره قوم بختیاری گره خورده است، حفظ آن‌ها باعث حفظ فرهنگ بومی و به‌خصوص فرهنگ شفاهی قوم بختیاری شود.

به‌نوعی می‌توان گفت میشکال نقش اصلی در حفظ بخشی از فرهنگ قوم بختیاری را دارد و به عنوان یک واسط فرهنگی سبب انتقال به نسل‌های بعدی می‌شود. در اصل میشکال و یا همان نوازندگان محلی، راویان تاریخ شفاهی این قوم هستند و موسیقی برای بختیاری‌ها فقط جنبه تفنن و سرگرمی ندارد بلکه، آرامش روح و جان مردمان بختیاری است و سبب اتحاد افراد یک طایفه، تقویت پیوند اجتماعی آنها، حفظ میراث قومی و انتقال آن به نسل‌های دیگر می‌شود. میشکال با انتخاب مقام‌های مناسب و

نوع سازی که می نوازَد، گاه با کرنانوازی در شادینه ها و گاه با سرنانوازی در سوگ و
عزاین رسالت را به خوبی انجام می دهد.

یادداشت‌ها :

- ۳- یکی از کهن‌ترین سازهای بادپایران است که قدمت آن به زمان هخامنشی می‌رسد (بریان، ۱۳۸۷).
- ۴- سُرنا یا «سورنا» نام ساز بادی باستانی ایرانی است که از چوب ساخته می‌شود و از دسته سازهای دو زبانه است. سرنا ی محلی بیشتر با دهل نواخته می‌شود و در بعضی نواحی مانند بختیاری و دزفول از سرنا ی کوچک استفاده می‌شود» (منصوری، ۱۳۵۵: ۵).
- ۵- دهل از پوست گوسفند و توسط خود میشکال هاساخته می‌شود.
۶. مالکون به لحظه آغاز کوچ عشایر بختیاری گفته می‌شود.
- ۷- Pyenomenology، چیزی که پدیدار است یا خود را می‌نمایاند.
- ۸- کولی، غربتی، نوازنده.
- ۹- این واژه به شکل توشمال هم نوشته می‌شود.
- ۱۰- مشک دوغ
- ۱۱- اسم رقص های بختیاری که در عروسی اجرا می‌شود و در قسمت آیین های عروسی همین مقاله توضیح داده شده .
- ۱۲- دوا: داماد ولالی: همان لیلی است و کنایه ای از عروس است.
- ۱۳- نام یکی از رقص های بختیاری است .
- ۱۴- نام مقام های موسیقی فولکلور بختیاری است که بر اساس اشعاری که خوانده می‌شود نام گذاری شده اند . دی: دختر. ب: بهتر و لال : زیبای لاله وش
- ۱۵- تصنیفی است که در شادی ها نواخته می‌شود و درون مایه آن احساسات عاشقانه است.
- ۱۶- تصنیفی است عاشقانه که در شادینه ها خوانده می‌شود.
- ۱۷- آیینی ویژه سوگواری.
- ۱۸- گاگریو یا سرو اشعاری است که با توجه به خصوصیات فرد متوفی توسط زنان ایل خوانده می‌شود هرچند امروزه توسط مردان نیز خوانده می‌شود. مضمون همه ابیات شرح خوبی، محبت، مهمان‌نوازی، شجاعت و رشادت برای مردانو شرح صفات پاک‌دامنی، کدبانویی و عفت برای زنان است که محتوای همه آن‌ها سوگ و غم است (آسمند، ۱۰۲). اشعاری که به‌عنوان گاگریو می‌خوانند را بیتمی‌گویند. گاگریو و موسیقی مکمل هم هستند و در دستگاه سه‌گاه نواخته می‌شود. در گاگریوخوانی یک زن به‌عنوان سرخوان شروع به خواندن بیت گاگریو می‌کند و زنان دیگر به‌عنوان همسرایان، بیت دوم را تکرار می‌کنند. گاگریو معمولاً با نی و سرنا همراه است، خصوصاً زمانی که توسط مردان خوانده می‌شود. بخش اعظم موسیقی عزا، دوندال هاو شعرها هستند که همراه آن، ساز چپ نواخته می‌شود

«گاگریو چون سمای صوفیان دارای مراحلی است از قبیل دُنْدال یا دُمْدال و یا چَمَری که می توان آن ها را از نعمات گاگریو به شمار آورد» (حسن زاده رهدار، ۱۳۸۲: ۱۰۱)

منابع:

- آسمند، علی، (۱۳۸۰)، تاریخ ادبیات در قوم بختیاری، اصفهان، شهسوار.
- افشاری سیستانی، ایرج، (۱۳۶۶)، مقدمه ای بر شناخت ایل ها، چادرنشینان و طوایف عشایر ایران، بریان پیر، (۱۳۸۷)، امپراطوری هخامنشی، ترجمه ناهید فروغان، تهران، قطره.
- حاجت پور، موسی، (۱۳۸۶)، بختیاری و تحول زمان، اهواز، انتشارات معتبر، وابسته به موسسه فرهنگی هنری آداب.
- حسن زاده رهدار، حسین، (۱۳۸۲)، از بختیاری تا بختیاری، اهواز، لاجورد.
- حسین پور، علی، (۱۳۹۰)، فرهنگ و ادبیات کودکان بختیاری، شهرکرد، نیوشه.
- حصوری، علی، (۱۳۸۷)، سیاوشان، تهران، چشمه
- داودی حموله، سریا، (۱۳۹۳)، دانشنامه قوم بختیاری (تحلیل آداب، آیین، سنت، اعتقاد و باورداشت ها)، اهواز، معتبر.
- داودی حموله، سریا، (۱۳۹۷)، موسیقی قوم بختیاری (آواها-نواهای شادی و ناشادی)، تهران، افراز.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۶۵)، فرهنگ لغات، تهران، دانشگاه تهران.
- شهبازی، محمد رضا، (۱۳۹۲)، مراسم آیینی نمایشی در بختیاری، بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر.
- عسکری سواد جانی، بهمن، (۱۳۹۴)، سیمای فرهنگ و طبیعت استان چهارمحال و بختیاری، تهران، کریمخان زند.
- غفاری، عیسی، ۱۳۸۸، مقاله ی موسیقی سوگ در ایل بختیاری "نگاهی به آواز گاگریووسازچی در موسیقی بختیاری، فصلنامه هنر شماره ۸۲.
- فرجی فر، هوشنگ، (۱۳۹۰)، بوی خوش باوینه، شهرکرد، نیوشه.
- قنبری عدیوی، عباس، (۱۳۹۱)، فولکلور مردم بختیاری، شهرکرد، نیوشه.
- قنبری عدیوی، عباس، (۱۳۹۲)، ز شیر بنگشت تا جون آدمیزاد (پژوهشی در فرهنگ و ادبیات عامه بختیاری)، شهرکرد، نیوشه.
- کاویانی چگنی، حمیدرضا، (۱۳۹۵)، مردم شناسی قوم بختیاری، تهران، آرون.
- محرر، ایرج، (۱۳۸۴)، پیوند واژه های لری با دیگر زبان های آریایی، تهران، انتشارات بلخ.

- مددی، حسین، ۱۳۷۹ «مقاله ی جایگاه موسیقی در ایل بختیاری» ماهنامه چیستا شماره ۱۷۱. منصوره. پرویز، (۱۳۵۵)، سازشناسی، تهران، انتشارات فرهنگ و هنر.
- موسوی پور، ابراهیم. نوروزپور، علی، (۱۳۸۲)، مقدمه ای بر فرهنگ عشایر ایران، تهران، آزان.
- . ورهام، فرهاد (۱۳۹۱)، ایل راه تاراز: یادداشت های دو سال کوچ همراه چند خانوار از ایل بختیاری، تهران: فرهنگسرای میر دشتی
- آلبوم و کاست ها:
- شکارچی، علی اکبر (۱۳۶۵)، کاست کوهسار، تهران: نشر فرهنگی بهنوش
- . علاء الدین، بهمنی (۱۳۷۷)، آلبوم آستاره، تهران: شرکت فرهنگی هنری پیام
- منابع شفاهی:
- بزرگنیا، پیمان (۱۳۹۴ و ۹۸) محقق، پژوهشگر موسیقی بختیاری و خواننده و نوازنده نی
- الله بخشی، یاسر (۱۳۹۸)، خواننده و پژوهشگر موسیقی و آیین های بختیاری
- حیدری، پروانه (۱۳۹۸)، ۷۳ ساله، شهر فارسان، خانه دار
- لهرابی، مهین (۱۳۹۸)، ۴۵، ساله، کوهرنگ، کشاورز
- حیدری، شهرام (۱۳۹۸)، ۴۲ ساله، شهر فارسان
- سلیمانی، محترم (۱۳۹۸)، ۶۴ ساله، روستای گوجان، خانه دار
- حسینی مفرد، زین العابدین (۱۳۹۸)، ۷۰ ساله، روستای دهچشمه، میشکال
- حسینی مفرد، عنایت (۱۳۹۸)، ۴۱ ساله، روستای دهچشمه، دهل نواز